



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

مطالعات منطقه ای

عنوان:

رویکرد اتحادیه اروپا و آمریکا به اصلاحات سازمان ملل

استاد راهنما:

دکتر حسین سلیمی

استاد مشاور:

دکتر اصغر جعفری ولدانی

نگارش:

احمد فرج پور شریف آباد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	چکیده
2	مقدمه
10	فصل اول: چارچوب تئوریک
11	نهادگرایی لیبرال: مقدمه
13	بخش اول: نو واقع گرایی و نئولیبرالیسم
16	بخش دوم: نهادگرایی نئولیبرال و نظریه رژیم ها
18	بخش سوم: نهادگرایی نئولیبرال و وابستگی متقابل
19	بخش چهارم: نهادگرایی و همکاری دولت ها
21	بخش پنجم: نهاد گرایی نئولیبرال و قدرت نرم
25	نتیجه گیری
26	پی نوشت ها
27	فصل دوم: سیر اصلاحات در سازمان ملل
28	مقدمه:
28	بخش اول: از جامعه ملل تا سازمان ملل متحد
32	بخش دوم: اصلاحات سازمان ملل از ابتدا تا سال 1997

- 36 بخش سوم: اقدامات کوفی انان در جهت اصلاح سازمان ملل
- 37 1-3-اهداف هزاره
- 38 2-3-هیئت بلند پایه برای بررسی اصلاحات در سازمان ملل
- 43 3-3-دستور کار پیشنهادی دبیرکل برای اجلاس سران کشورها در شهریور 1384
- 44 4-3-گزارش دبیر کل
- 45 1-4-3-مسائل توسعه و دیدگاهی مشترک درباره توسعه
- 47 2-4-3- مسائل امنیتی و دیدگاهی برای امنیت جمعی
- 49 1-2-4-3-تروریسم فراملی
- 51 2-2-4-3-جرایم سازمان یافته فراملی
- 51 3-2-4-3-جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی: بیولوژیک و هسته ای
- 53 4-2-4-3-کاهش خطر بروز و گسترش جنگ
- 53 5-2-4-3-میانجیگری
- 54 6-2-4-3-تحریم ها
- 55 7-2-4-3-حفظ صلح
- 56 8-2-4-3-بر پایی صلح
- 58 9-2-4-3-کاربرد زور- با استناد به ماده 51 منشور سازمان ملل متحد
- 60 بخش چهارم: حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه

62	1-4-حاکمیت قانون
63	2-4-حقوق بشر
63	3-4-دموکراسی
65	بخش پنجم: تقویت ساختار ملل متحد
66	1-5-مجمع عمومی
66	2-5-تشکیل شورای حقوق بشر
70	3-5-شورای اقتصادی و اجتماعی
70	4-5-اصلاح شورا امنیت
73	نتیجه گیری
75	پی نوشت ها
81	فصل سوم: آمریکا و اصلاحات در سازمان ملل
82	مقدمه:
83	بخش اول: آمریکا و شکل گیری جامعه ملل و سازمان ملل
87	بخش دوم: آمریکا و سازمان ملل در دوران جنگ سرد
91	بخش سوم: روابط واشنگتن و سازمان ملل در دهه 1990
97	بخش چهارم: جرج بوش و سازمان ملل متحد
104	بخش پنجم: آمریکا و رویکرد آن به گزارش دبیر کل

105	1-5- آمریکا و مسائل توسعه ای مندرج در گزارش دبیر کل
107	2-5- آمریکا و اصلاحات در مسائل امنیتی:
107	1-2-5 تروریسم و سلاح های کشتار جمعی
112	2-2-5- کمیسیون صلح سازی
116	3-2-5- کاربرد زور- تفسیر ماده 51
119	بخش ششم: تقویت ساختار سازمان ملل
119	1-6- تشکیل شورای حقوق بشر
122	2-6- اصلاح ساختار شورای امنیت
124	نتیجه گیری
126	پی نوشت ها
130	فصل چارم: اتحادیه اروپا و اصلاحات در سازمان ملل
131	مقدمه
132	بخش اول: چگونگی تعامل اتحادیه اروپا با سازمان ملل
132	1-1- ساختار اتحادیه اروپا
133	2-1- روش اداره اتحادیه اروپا
136	3-1- چارچوب تعامل اتحادیه اروپا و سازمان ملل
143	بخش دوم: رویکرد اتحادیه اروپا به اصلاحات سازمان ملل متحد

146	1-2- اتحادیه اروپا و اصلاحات در مسائل مربوط به توسعه
148	2-2- اتحادیه اروپا و اصلاحات در مسائل امنیتی
148	1-2-2 تروریسم و سلاح های کشتار جمعی
156	2-2-2- کمیسیون صلح سازی
159	2-2-3- کاربرد زور- تفسیر ماده 51
160	2-3- تشکیل شورای حقوق بشر
162	3-3- اصلاح شورای امنیت
169	نتیجه گیری
171	پی نوشت ها
176	نتیجه گیری
185	پی نوشت ها
186	فهرست منابع و مآخذ

چکیده:

سازمان ملل از بدو تاسیس، اصلاحات ساختاری و محتوایی به خود دیده که جملگی محصول تغییر در نظام بین الملل بوده و در نتیجه، در این مقاطع به روز سازی این سازمان برای مواجهه با مسائل و چالش های روز امری ضروری می نموده است. تا پایان جنگ سرد، فضای حاکم بر روابط بین الملل بستر مناسب برای اصلاح سازمان ملل را فراهم نداشت و تنها در دهه شصت آن هم به دلیل استعمار زدایی و افزایش اعضای سازمان ملل، تغییری در ترکیب شورای امنیت صورت گرفت. با پایان جنگ سرد و تغییر در نظام بین الملل تقاضاها برای انجام اصلاحات در سازمان ملل بالا گرفت تا نهایتا در اجلاس هزاره کشورها با ترسیم اهدافی دبیر کل را مامور بررسی امکان انجام اصلاحات در این سازمان نمودند و که جنگ آمریکا علیه عراق بدون مجوز سازمان ملل همچون کاتالیزوری این روند را تسریع بخشید. و نهایتا دبیر کل گزارش خود را به کشورهای ارائه نمود و کشورهای در خصوص موضوعات مطرح شده در این گزارش در شصتمین نشست مجمع عمومی تصمیم گیری کردند.

در این میان اتحادیه اروپا و آمریکا به عنوان دو بازیگر مهم بر اصلاحات سازمان ملل در بعد از جنگ سرد تاثیر گذارده اند. اتحادیه و ایالات متحده در مسائل توسعه، حقوق بشر، تشکیل کمیسیون صلح سازی باعث کارآمدی سازمان ملل شده اند و در مسائل امنیتی نظیر تعریف جامع از تروریسم، انعقاد قراردادی جامع در موضوع خلع سلاح و عدم تکثیر سلاح های هسته ای، اصلاح شورای امنیت و تفسیر موسع از ماده 51 دستاوردی نداشته اند.

مقدمه

1-1 طرح مسئله

سازمان ملل متحد بی‌هیچ تردیدی به عنوان اصلی‌ترین، گسترده‌ترین و مقبول‌ترین نهاد بین‌المللی که دامنه فعالیت آن از صلح و امنیت بین‌المللی گرفته تا مقابله با ایدز، سوادآموزی، حقوق بشر و بسیاری موضوع‌های خرد و کلان را در سراسر گیتی دربرمی‌گیرد، شناخته می‌شود. با این حال، چند سالی است که صحبت از ضرورت اصلاح در ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد در محافل علمی، دیپلماتیک و بین‌المللی به گوش می‌رسد. واقعیت آن است که اجماع جامعه بین‌المللی در حال حاضر بر آن قرار گرفته که سیستم فعلی پاسخگوی نیازها و چالش‌های جهان امروز نیست و چنانچه برای این وضعیت، تدبیری اندیشیده نشود، بر سازمان ملل متحد همان خواهد رفت که بر سلف آن یعنی «جامعه ملل» گذشت. در اینجا لازم است بر این نکته مهم انگشت نهاد که این سرنوشت سازمان ملل متحد به خودی خود نیست که توجه همگان را جلب کرده، بلکه سازمان ملل متحد سمبل نظم حاکم بر جهان و روابط بین‌الدول است و تزلزل در عملکرد آن بازتابی از بن‌بست در روابط بین‌المللی خواهد بود.⁽¹⁾

پس از جنگ دوم، کشورهای فاتح، سازمان ملل متحد را با هدف حفظ و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی در سایه همکاری‌های نهادینه خود تاسیس کردند. آنها جنگیده بودند تا جنگی در کار نباشد و چون بر اساس رهیافت قدرت، تصمیم‌گیری‌های لازم برای پی‌ریزی ساختار نظام آینده بین‌المللی صورت می‌گرفت، از این آزادی عمل برخوردار بودند که ساختار مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و شکل‌بندی کنند که حافظ منافع آنها باشد. این رویکرد سبب شد که در توزیع جهانی قدرت تنها بازیگرانی عهده دار نقش اصلی شوند که در آن زمان بالاترین توان نظامی، سیاسی و سپس اقتصادی را برای راهبری نظام جدید بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم دارا بودند. لذا مسئولیت اصلی حفظ صلح به شورای امنیت سازمان ملل

سپرده شد که در این رکن، پنج قدرت بزرگ هم دارای عضویت دایمی شدند و هم از حق ویژه «وتو» برخوردار گردیدند.⁽²⁾ اما جهان امروز نسبت به آن زمان که سازمان ملل شکل گرفت دچار تغییرات زیادی شده که این خود بر روابط قدرت و کارکردهای سازمان ملل تاثیر گذارده و انجام اصلاحاتی در این سازمان را برای تطبیق آن با جهان امروز ضروری کرده است. بحث تغییر در منشور سازمان ملل همواره کم و بیش وجود داشته است اما از دهه هشتاد میلادی بحث ها جدی تر و پس از فروپاشی اتحاد شوروی در اوایل دهه نود ابعاد گسترده تری به خود گرفت. پس از پایان یافتن دبیر کلی «خاویر پرز دکوئیار»، و در ماه اول دبیرکلی «پطروس غالی» دبیر کل سازمان ملل در ژانویه 1992، شورای امنیت برای اولین بار در تاریخ خود در سطح سران کشورهای عضو شورای امنیت تشکیل جلسه داد و بیانیه ای منتشر کرد که نوعی تاکید مجدد بر چگونگی حفظ صلح و امنیت بین الملل بود. بیانیه ای که تروریسم و سلاح های کشتار جمعی را در زمره تهدیدهای جدی قلمداد می کرد و بحث های توسعه ای و تهدیدهای غیر نظامی صلح و امنیت بین المللی را کمتر مورد توجه قرار می داد. پس از این نشست پطروس غالی در گزارش موسوم به «دستور کاری برای صلح» سعی کرد در چارچوب منشور سازمان ملل اصول و قواعد «دیپلماسی پیش گیرانه» را برای «صلح سازی» و «حفظ صلح» ارایه کند. سال 2004 میلادی کمیسیونی متشکل از کارشناسان بلند پایه توسط کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد مامور شد تا راهکارهای اصلاحات بنیادین به منظور «تغییر» این سازمان جهانی را بررسی نماید. این کمیسیون که «برنت اسکو کرافت» ژنرال سابق نیروی هوایی و مشاور پیشین امنیت ملی امریکا نیز در آن عضویت داشت، پیشنهادات خود را در دسامبر 2004 ارایه کرد. هر چند همان طور که اشاره شد پیش از ارائه گزارش دبیر کل اقداماتی جهت اصلاح سازمان ملل صورت گرفته است اما اصلاحات اخیر که در قالب گزارش دبیر کل ارائه شد کامل ترین اصلاحات تا به امروز است و نظرات و دیدگاه های متفاوتی نسبت به این گزارش ارائه شد. دسته اول، کشورهای جهان سوم و فاقد توانایی و تکنولوژی بالای نظامی و در نتیجه فاقد برگ های برنده کارساز در چانه زنی های بین المللی

و منازعات آن هستند که ساختار فعلی این سازمان را در عدم کارایی برای جلوگیری از یکجانبه گرایی قدرت های بزرگ از جمله امریکا می دانند. گروه دوم نیز کشور های مانند آلمان و ژاپن و هند و برزیل هستند که خواهان عضویت دایم در شورای امنیت و برخورداری از حق وتو می باشند. امریکائیان نیز خواستار تغییر ساختار سازمان ملل در جهت بالا بردن توان و تحرک این کشور در حل و فصل منازعات بین الملل و مشروعیت بخشیدن به اقدامات خارج از قاعده و قانون این کشور است و اروپائیان به دنبال ایفای نقشی پر رنگ تر در معادلات جهانی⁽³⁾.

شصتمین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که با حضور مقام ها و سران بیش از 180 کشور جهان همراه بود؛ از 14 تا 16 سپتامبر (23 تا 25 شهریورماه 1384) در شهر نیویورک، مقر سازمان ملل متحد برگزار گردید. این اجلاس، سومین اجلاس ویژه سران جهان است که از ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد در سال 1945 برگزار می گردد. اولین اجلاس ویژه در سال 1995 به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس سازمان برگزار گردید و دومین آن «اجلاس هزاره» بود که در سال 2000 برگزار گردید و تصمیم های مهمی درباره رفع فقر و کاهش نابرابری جهانی گرفته شد که تا به حال این تصمیم ها قابلیت اجرا نیافته است. اجلاس سالانه سران سپتامبر 2005 مجمع عمومی نیز به دلیل در دستور کار بودن موضوع های مهم قابل اهمیت بود و از سوی دیگر به دلیل سالگرد شصتمین سال تأسیس سازمان ملل عنوان اجلاس ویژه یافت.⁽⁴⁾ در این اجلاس کشورها نظرات خود را درباره اصلاحات پیشنهادی عنان ارائه کردند و تصمیماتی نیز اتخاذ شد. در این نوشتار تلاش می شود ابتدا سیر اصلاحات در سازمان ملل سپس نگاه آمریکا و اتحادیه اروپا به این اصلاحات ارائه شود. هدف این پایان نامه بررسی میزان تاثیر رویکرد اتحادیه اروپا و آمریکا در اصلاحات یاد شده است.

1-2- سوال تحقیق:

اتحادیه اروپا و آمریکا چه تاثیری بر اصلاحات سازمان ملل در دوران پس از جنگ سرد گذارده اند؟

1-3-3-فرضیه

آمریکا و اتحادیه اروپا در موضوعات توسعه، حقوق بشر، ایجاد صلح باعث افزایش کارآمدی سازمان ملل شده و در موضوعات مرتبط با امنیت دستاورد چندانی نداشته اند.

موضوعات مرتبط با توسعه: تعیین درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته به امر توسعه کشورهای کمتر توسعه یافته، در خصوص حقوق بشر: تشکیل شورای حقوق بشر و در مورد ایجاد صلح: تشکیل کمیسیون صلح سازی

موضوعات امنیتی: تعریف موسع از ماده 51 منشور سازمان ملل، اصلاحات در شورای امنیت سازمان ملل، تعریف تروریسم، مبارزه با سلاح های کشتار جمعی

1-4-تعریف مفاهیم

اصلاحات سازمان ملل: اصلاحات پیشنهادی دبیر کل در برخی حوزه های ساختاری و محتوایی سازمان ملل که در چارچوب گزارش دبیر کل به کشورها پیشنهاد شد و در سال 2005 در مجمع عمومی به رای گذاشته شد.

1-5-سوابق مربوطه

با این عنوان تاکنون تحقیقی صورت نگرفته اما در مجلات مختلف چندین مقاله (تالیف و ترجمه) رویکرد ایالات متحده به اصلاحات سازمان ملل را بررسی کردند. در مورد اتحادیه اروپا ترجمه و تالیفی (در خصوص رویکرد آن به اصلاحات) موجود نیست. در باب اصلاحات سازمان ملل نیز چندین مقاله به فارسی چاپ رسیده است که عمدتاً ترجمه ای از گزارش دبیر کل و نقد و بررسی آن است. مقالات انگلیسی بی شماری نیز در باب اصلاحات سازمان ملل وجود دارد که می توان به: اصلاحات سازمان ملل

و نقش دبیر کلⁱ، شورای امنیت جدید، حق وتویی جدید در قرن جدیدⁱ، اصلاحات سازمان ملل و اهداف هزارهⁱⁱⁱ، گامی به سوی اصلاحات سازمان ملل^v، اصلاح در نظام تحریم سازمان ملل^v، کمیسیون صلح سازی سازمان ملل: آزمون برای دستورکار اصلاحات^{vi}، اصلاح سازمان ملل و امنیت جمعی^{vii}، اصلاح مجمع عمومی^{viii}. همان گونه که عنوان شد در خصوص نگاه آمریکا به اصلاحات سازمان ملل چندین مقاله و ترجمه وجود دارد که می توان به مقاله تلاش آمریکا برای آشتی با سازمان ملل و آمریکا: از سازمان ملل متحد تا یک جانبه گرایی برتری جویانه اشاره کرد در بین مقالات انگلیسی می توان منافع آمریکا و اصلاحات سازمان ملل^x، اصلاحات سازمان ملل: رویکرد ایالات متحده و چشم اندازهای بین المللی^x را ذکر کرد. از مقالات لاتین مربوط به دیدگاه اروپا به اصلاحات سازمان ملل می توان به نقش اروپا در اصلاح سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی^{xi}، اتحادیه اروپا و سازمان ملل: آینده ای مشترک^{xii} و سازمان ملل و اتحادیه اروپا: شرکایی در چند جانبه گرایی^{xiii} اشاره کرد.

1-6- اهداف پژوهش:

هدف از تحقیق بررسی میزان تاثیر پذیری اصلاحات از دیدگاه های اتحادیه اروپا و آمریکا است که این خود می تواند در تنظیم دستور کارهای برخی نهادهای سازمان ملل از جمله شورای امنیت موثر باشد. این بررسی می تواند نشان دهد که برای دو سوی آتلانتیک چه حوزه های از اهمیت خاص و اولویت برخوردارند و چه میزان اصلاحات سازمان ملل می تواند موفق بوده و اصلاحات اعمال شده تا چه حد می تواند با نظرات این دو حوزه که در پی اشاعه هنجارها و ارزش های خود هستند، هماهنگ و همخوان باشد.

1-7- روش آزمون فرضیه:

نوع روش تحقیق علی می باشد.

1-8- متغیرهای دخیل:

متغیر مستقل: رویکرد آمریکا و اتحادیه اروپا به اصلاحات سازمان ملل

متغیر وابسته: عبارت است از: اصلاحات سازمان ملل در حوزه توسعه، حقوق بشر، صلح و امنیت. برای آزمون فرضیه در ابتدا اصلاحات سازمان ملل بررسی گردیده و در ادامه در دو فصل مجزا به رویکرد اتحادیه اروپا و آمریکا به آن اصلاحات پرداخته می شود.

1-9- شیوه گردآوری داده ها:

روش گردآوری اطلاعات و داده ها بر اساس گردآوری کتابخانه ای و اینترنتی صورت گرفته است.

1-10- سازماندهی پژوهش:

این پژوهش در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول چارچوب نظری پایان نامه فصل دوم سیر اصلاحات در سازمان ملل فصل سوم رویکرد آمریکا به این اصلاحات و فصل چهارم رویکرد اتحادیه اروپا به اصلاحات یاد شده است. در آخر پژوهش نیز نتیجه گیری بحث ارائه می شود. منطق چینش این فصول به این گونه است که ابتدا چارچوب تئوریک به عنوان بستری که تحقیق بر آن استوار است و قوام می یابد ارائه می گردد در فصل دوم نگاهی به سیر اصلاحات در سازمان ملل از آغاز شکل گیری آن انداخته شده که عمده این نگاه به بعد از جنگ سرد و به طور دقیق تر اصلاحات در قالب گزارش دبیر کل است، فصل سوم و چهارم نگاه و رویکرد آمریکا و اتحادیه اروپا به اصلاحات سازمان ملل است و سعی می شود چگونگی ارتباط اصلاحات اعمال شده در سازمان ملل با مسائل توسعه، امنیت و حقوق بشر که از پنجره آن آمریکا و اروپا در پی حاکم کردن ارزش های خود هستند ارائه گردد.

پی نوشت ها:

1. بهزاد صابری انصاری، " بررسی مقارنه‌ای تجربه جامعه ملل با چالش‌های فراروی سازمان ملل، " فصل نامه راهبرد، 3 اسفند 1383.
2. علی جلالی، " اصلاحات در ساختار 11 طبقه، " سایت - شبکه خبر دانشجو، 12 اردیبهشت 1387
(12 اردیبهشت 1387) <www.bashgah.net/pages-9142.html>
3. همان منبع، ص 5.
4. مازیار آقا زاده، " ارزیابی اجلاس اخیر سران کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل، " کتابخانه دیجیتالی دید، 10 اردیبهشت 1387
(10 اردیبهشت 1387) :< <http://www.did.ir/catalog/index.aspx?cn=na00020054110591612>>

ⁱ UN reform and the role of the secretary-General

ⁱⁱ Security Council reform: a new veto for a new century?

ⁱⁱⁱ UN Reform and the Millennium Goals

^{iv} Towards the UN Reform

^v UN Sanctions Reform

^{vi} The UN Peace -building Commission: a Test of the Reform Agenda

^{vii} UN Reform and Collective Security

^{viii} Reforming the General Assembly

^{ix} American Interests and UN Reform

^x United Nations Reform: U.S. Policy and International Perspectives

^{xi} The Role of Europe in the Reform of UN and Other International Institutions.

^{xii} The EU and UN: A Shared Future

^{xiii} The United Nations & the European Union: Partners in Multilateralism

فصل اول:

چارچوب تئوریک

مقدمه:

تحلیل نقش و جایگاه سازمان های بین المللی به لحاظ نظری همواره در چارچوب نظریه پردازی درباره سیاست و اقتصاد بین الملل صورت گرفته است. در مقاطع مختلف روابط بین الملل، سازمان های بین المللی از دو منظر افراطی مورد توجه قرار گرفته اند: از منظر خوشبینی آرمانگرایانه سازمان های بین المللی به مثابه پیش درآمد جامعه جهانی واحد و حکومت فراگیر جهانی تلقی شده و از منظر بدبینی واقع گرایانه، نماد تلاش های بی حاصل و همکاری های صوری بین دولت ها قلمداد گردیده اند. به نظر نمی رسد که هیچ یک از این دو دیدگاه، حق مطلب را نسبت به نقش و کارکرد و سودمندی سازمان های بین المللی در عصر ما ادا کرده باشند. اگر چه هنوز واحد اصلی و تعیین کننده روابط بین الملل دولت ها هستند اما امواج جهانی که در بردارنده تغییر و تحول بنیادین در ساختار روابط بین الملل و در قواعد کنشگری و کم و کیف کنشگران است فرارسیده و بیش از آن هم در راه است.⁽¹⁾

از این رو برای تبیین نقش، جایگاه و تحولات سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل و رویکرد کشورها در قبال آن ها، بایستی از نظریه ای سود جست که نه در دام خوش بینی آرمان گرایان افتد و نه در دام بدبینی واقع گرایی، بنابراین بر اساس مفروضات نظریه نهاد گرایی نئولیبرال تلاش می شود از این تئوری در تبیین نوشتار کنونی استفاده شود.

یکی از خصوصیات محوری نهادگرایی نئولیبرال این است که نهادهای فراملی در سیاست بین الملل نقش موثری دارند به این ترتیب که این سازمان ها باعث ارتقا سطح همکاری بین کشورها از طریق رفع مشکلات اقدام دسته جمعی و کاهش هزینه های داد و ستد می شوند.⁽²⁾

چون نئولیبرالیسم کشورها را بازیگران عاقلی می داند که درصدد به حداکثر رساندن ارزش و مطلوبیت می باشند به عبارت دیگر آن ها به دنبال تامین منافع مطلق هستند.⁽³⁾

با تحلیل محتوای این نظریه می توان دریافت که برای تحلیل نقش و جایگاه سازمان های بین المللی در ساختار نظام جهانی بر حسب شرایط زمان، توجه اندیشمندان به جنبه های مختلفی از کارکرد سازمانهای بین المللی معطوف شده است. در ابتدا جنبه رسمی و ارگانیک این سازمان مورد توجه بود. بعدها کارکردهای اجرایی و الگوهای تاثیر گذاری آنها در فرآیندهای تصمیم گیری ملاک ارزیابی نقش و جایگاه آنها قرار گرفت. سپس کارآمدی و توان آنها در مدیریت معضلات و مواجهه با چالش های منطقه ای و بین المللی معطوف گردید. پس از آن با مطرح شدن نظریه رژیم های بین المللی، تلاش شد که ویژگی های رسمی و سازمانی سازمان های بین المللی بیش از پیش به حاشیه رانده شود و به جای آن مجموعه ای از ترتیبات مورد توافق دولت ها که ترجمان خواسته های آنها می باشد و انتظارات و رفتارهای آنها را در یک حوزه مشخص از موضوعات مشترک شکل می دهد، مورد تاکید قرار گیرد.⁽⁴⁾

در طی این فصل تلاش می شود ابتدا مقایسه ای بین نظریه نئولیبرالیسم و نو واقع گرایی صورت گیرد سپس مفروضات این نظریه مبحث رژیم ها، وابستگی متقابل، نهاد گرایی نئولیبرال و همکاری دولت ها و قدرت نرم ارائه گردد.

بخش اول: نو واقع گرایی و نولیبرالیسم:

بسیاری از نظریه پردازان، کل جریان نظریه پردازی واقع گرا، نواقع گرا، لیبرال و نهادگرایی نولیبرال را با عناوینی چون خردگرا و یا فایده گرا (و نوافایده گرا) معرفی می کنند. علت این نامگذاری مشترک عمدتاً به وجوه مشترک این نظریه ها برمی گردد. جان راگی معتقد است که به مرور زمان نواقع گرایی و نهادگرایی نولیبرال به هم نزدیک شده اند. رابرت کوهان یکی از نظریه پردازان پیشرو در نهادگرایی نولیبرال، بیان می کند که این رهیافت بیش از لیبرالیسم، وامدار واقع گرایی است.

در مجموع می توان نقاط اشتراک و افتراق نواقع گرایی و نولیبرالیسم را به شرح زیر خلاصه کرد:

1) هر دو دیدگاه وضعیت آنارشیکی نظام بین الملل را قبول دارند، اما در مورد معانی آن و چگونگی ایجاد آن اختلاف دارند.

2) هر دو دیدگاه همکاری میان دولت ها را امکان پذیر می دانند، اما در مورد ایجاد و پیامدهای احتمالی آن اختلاف دارند.

3) هر دو بر دستاوردهای دولت تاکید می کنند. اما لیبرالیسم برخلاف واقع گرایی، دستاوردهای نسبی (در مقابل دستاوردهای مطلق) را مورد توجه قرار می دهد.

4) هر دو نگرش، امنیت ملی و رفاه اقتصادی را مهم می دانند، اما واقع گراها، امنیت و لیبرال ها رفاه را در اولویت قرار می دهند.